

گفت و گوی صبا با کارگردانان نمایش «لومیر» و «بیست و سومین جلسه جن گیری آنه میشل»

ایرانی‌ها را احت می‌خند

فره‌موند ناظریان
گفت و گو

چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر کشور با حضور ۶۸ گروه نمایشی در سه بخش جایزه بزرگ صحنه‌ای، بین‌الملل و مهمان ویژه از اول بهمن ماه ۱۴۰۱ کار خود را آغاز کرد، تعداد آثار شرکت‌کننده در بخش نمایش بین‌الملل ۲۱ اثر از کشورهای عراق، اسپانیا، تونس، اردن، ارمنستان، روسیه، برزیل و ۱۳ اثر نمایشی از ایران بود که در این رویداد با هم به رقابت می‌پردازند، خبرنگار صبا با تکسما مونوز هنرمند اسپانیایی کارگردان نمایش «لومیر»، و مسعود احمدی کارگردان نمایش «بیست و سومین جلسه جن گیری آنه میشل» از ایران گفتگویی داشته است که در ادامه می‌خوانید.

مسعود احمدی:

هنرمند مستقل در یک فضای برزخی

نمایش «بیست و سومین جلسه جن گیری آنه میشل» به نویسندگی و کارگردانی مسعود احمدی از شیراز در دومین روز جشنواره، در دو نوبت ۱۷ و ۱۹ با مدت زمان ۸۵ دقیقه در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت. این نمایش بر پایه داستانی واقعی از یک جن گیری در دهه هفتاد میلادی در آلمان است، دختری به نام آنه لیز میشل به تشخیص پزشکان دچار نوعی جنون و پارانوئیا می‌شود که البته کشیش منطقه اعتقاد به تسخیر شدگی دارد و برخلاف نظر پزشکان، اجازه جن گیری از طرف کلیسای مرکزی برای او صادر می‌شود.

همان‌طور که از نام نمایش پیداست، این نمایش در ژانر وحشت است، چه شد که به این سبک از نمایش روی آورده‌اید؟

از سال ۱۳۹۶ به سراغ این سبک رفته‌ام. اول به این خاطر که حس کردم نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا به این سبک خیلی کم پرداخت شده، در حالی که حس ترس هم مانند احساس‌های دیگر آدمی، نیاز به برون‌ریزی و تخلیه شدن دارد. دوم اینکه مادر شیراز به شدت با کمبود مخاطب تئاتر مواجه بودیم و برای جذب مخاطب نیاز به نمایشی تأثیرگذار داشتیم. بنابراین، از آنجایی که نمی‌خواستیم به سراغ طنزهای سخیف سالن پرکن بروم، برای پیدا کردن نبض مخاطب به سراغ ژانر وحشت رفتم. که البته با مخالفت‌هایی از دوستان متخصص مواجه شدم که معتقد بودند ژانر وحشت تنها در قالب سینمایی و فیلم به نتیجه می‌رسد چرا که انتقال حس ترس نیاز به ملزوماتی دارد که از مسیر تکنیک‌های فنی سینمایی می‌گذرد. اما بعد از چند ماه تمرین در همین ژانر خوشبختانه نتایج عکسی گرفتیم مبنی بر این تجربه که حتی نمایش می‌تواند تأثیرگذار تر از سینما در این فعالیت کند. در ادامه استقبال خوب مخاطب را شاهد بودیم به همین دلیل دو نمایش دیگر هم در همین ژانر کارگردانی و به اجرا بردم «شیاطین را فرابخوان» و «جن زده زیر لیل» بود که هر دو با اقبال تماشاگر مواجه شد.

چرا برای القای حس وحشت به سراغ مولفه‌های ایرانی و وطنی از این ژانر نرفتید؟

اتفاقاً رویداد نمایشی «جن زده زیر لیل» در جنوب ایران می‌گذرد و داستان جن و ارواحی را روایت می‌کند که زیر درخت لیل خانه دارند. البته این نمایش براساس یک قصه ایرانی است و پایه‌ای در واقعیت نداشت.

نمایش‌های شما با این موضوعات و مضامین چه معنا و آگاهی را به مخاطب متبادر می‌کنند؟

قصد اولیه ما در این نمایش سرگرم‌کنندگی مخاطب عام است. اما در این میان برون‌ریزی احساس‌های نهفته مخاطب حین اجرای نمایش، در کنار تماشای جمعی به خودی می‌تواند جنبه‌ای آئینی را به همراه داشته باشد. و همچنین درگیر کردن احساس ترس و هیجان تماشاگر که کارگردان‌های دیگر به سراغ آن نرفته بودند. کما اینکه بعد از اجرای اول نمایش آنه میشل مخاطبان تئاتر در شیراز پیگیر هستند که تئاتر ترسناک دیگری در دست اجرا دارم یا خیر. و منتظر اجراهای بعدی من در این ژانر بودند. از نظر فلسفی هم نمایش آنه میشل حول محور موضوع تسخیرشدگی است، که می‌تواند در زیر متن حامل این پیام باشد که تسخیرشدگی انسان توسط نیروها و انرژی‌های شر، سرنوشت محتومی را

در پی دارد. اینکه انسان در این دنیای روزمره و گرفتاری‌ها گاهی ممکن است چنان خدا را از یاد برده باشد که به یکباره با موجودی از خود روبرو می‌شود که دیگر خودش نیست و کنترل بر او ندارد.

آیا در پایان این نمایش ممکن نیست، خدا به عنوان موجودی ترسناک در ذهن مخاطب مجسم شود؟
مادر طول کار سعی کردیم این اتفاق رخ ندهد، وجود خدا نقطه اثبات اهریمنی چون شیطان است. به این معنی که اگر به خدا اعتقاد داریم وجود شیطان را هم باید بپذیریم.

در این نمایش ساختار و قواعد درام کلاسیک رعایت شده بود، و از همه مهم‌تر اینکه قصه گو بود و روایت خود را در یک بازه زمانی کوتاه که متناسب با قالب صحنه‌ای تئاتر است، بیان

